

اپرا در کشورهای متحد آمریکا

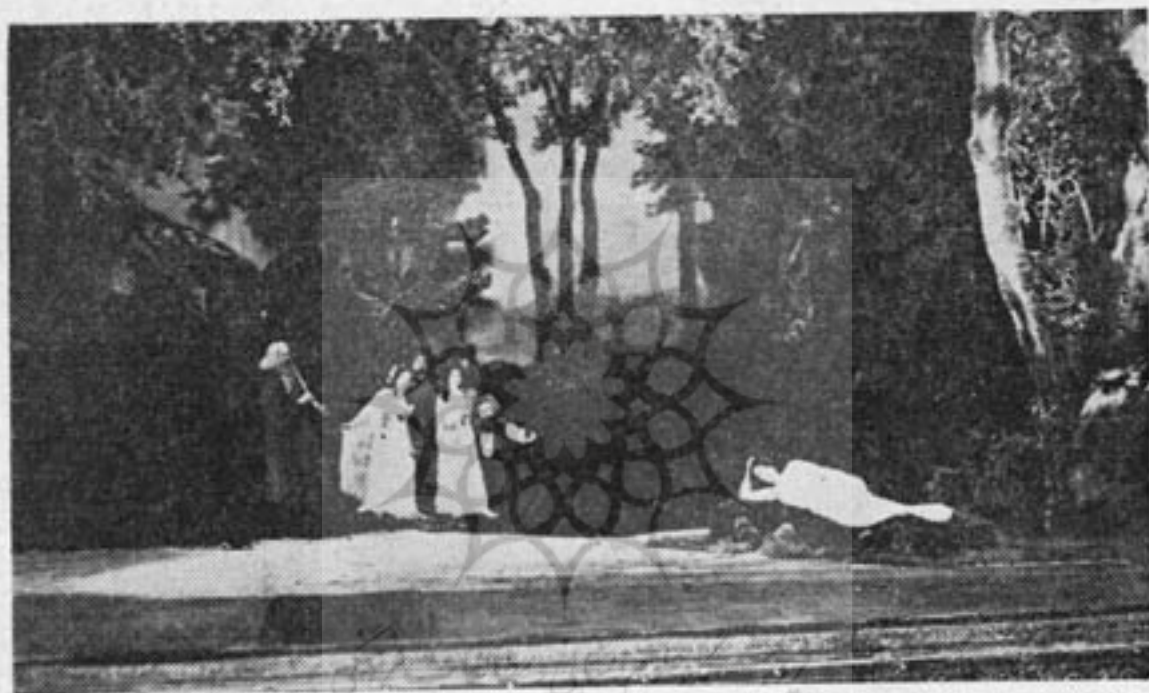
(دنباله و پایان)

در فاصله سالهای ۱۹۳۹ - ۱۹۳۰ اپراهای دیگری مانند « چهار مرد مقدس در سه پرده » (Four Saints in three acts) (۱۹۳۴) اثر ویرجیل تامسون (Virgil Thomson) که اشعار آن توسط کوترود اشتین (Gertrude Stein) سروده شده ، « تندباد دوم » (The Second Hurricane) (۱۹۳۱) اثر آرن کوبلند (Aaron Copland) ، « جاک و بیتز تاک » (Jack and Beantalk) (۱۹۳۱) اثر لوئیس گرونیبرگ (Louis Gruenberg) ، « فولاد آبی » (Blue Steel) (۱۹۳۵) اثر « ویلیام گرنت استیل » (William Grant Still) و « ابلیس و دانیل وبستر » (The Devil and Daniel Webster) (۱۹۳۹) اثر دوگلاس مود (Douglas Moore) ساخته شد و بروی صحنه آمد .

هریک از این اپراها با دیگری اختلاف فراوان دارد ولی در عین حال یک جنبه مشترک در آنها یافت میشود و آن اینست که هر یک از آنها در نوع خود با نظریه اپرای باستانی اروپا کاملاً متفاوت است . در این اپراها از روشهای بیان موسیقی که اختصاص به آمریکاییان دارد و همچنین از طرز مکالمه خاص مردم این سرزمین استفاده شده است این اصل حتی در موقعیکه موضوع اپرا آمریکایی نیست (مانند اپرای « سه مرد مقدس در سه پرده ») نیز صدق میکند چه هم در مکالمه و هم در تصانیف از زبان بومی

امریکائی استفاده شده است . بقول مارك وان دورن (Mark Van Doren)
 در هیچ دوره ای مانند این دوره در برای امریکائی ، زبان بومی تا این اندازه شنیده
 و احساس نمیشود .

در طی ده سال یعنی فاصله بین سالهای ۱۹۴۹ - ۱۹۴۰ برای امریکا مراحل
 تکامل را با آزادی و استقلال بیشتری پیمود . اکنون برای مثال ابرائی بنام « مادر
 همه ما » (The mother of us all) (۱۹۴۷) از ساخته های ویرجیل
 تامسون که اشعار آنرا گرتروود اشتین سروده است مورد ملاحظه قرار میدهیم . این
 ابراز در اطراف زندگانی سوزان آنتونی (Susan Anthony) بانوی امریکائی



صحنه ای از ابرای « د پاپ آف دیز ابر » از ساخته های فردریک شفرد .
 این ابراکه در یک پرده نمایش داده میشود اولین ابرای امریکالیست و در سال ۱۹۱۰
 در ابرای متروپولیتن بروی صحنه آمد . لوئیز هومر خواننده مشهور امریکائی در طرفی
 راست عکس دیده میشود

که در قرن نوزدهم برای گرفتن حقوق زنان پیشقدم گردید و در این زمینه مانند سرباز
 از جان گذشته ای مبارزه کرد دور میزند . گرتروود اشتین از پیروی از طرح تأثیر واقعی
 پرهیز میکند و باینجهت خواننده و یا شنونده نباید تسلسل منطقی را در عمل و یا مکالمه
 جستجو نماید ولی وی نسبت به اصل موضوع که همان طرفداری از زنان و حقوق آنها
 است وفادار میماند و هر یک از « کاراکترها » وی نیز در بیان مقصود کار خود را
 بخوبی انجام میدهند .

همانطور که ویرجیل تامسون نوشته ابرای « مادر همه ما » ابرائی است که براساس زندگانی عمومی و خصوصی مردم امریکا در قرن نوزدهم تنظیم گردیده و اشعار آن راجع به اشخاص واقعی و خیالی و شخصیت‌های برجسته تاریخی و دوستان و همسایگان آنها سروده شده است. ایفاکنندگان شخصیت‌های تاریخی این ابرای با همان سبک مرسوم آن زمان سخن می‌گویند و بعضی اوقات به نقل قول از آن شخصیت‌ها مبادرت می‌ورزند و سایرین بزبان امریکائی متداول تکلم می‌کنند. چیزیکه ویرجیل تامسون را ساختن یک چنین ابرائی وادار کرد این بود که در این دوره یعنی قرن نوزدهم مسائل مهمی مورد بحث قرار گرفته و راجع به آنها با زبان فصیح و بلیغی گفتگو شده است. تامسون از دیرباز این اندیشه را در سر می‌پرورانید که بطور قطع در این دوره که نظیر آن در ادوار تاریخی کم‌تریافت میشود باید موضوع و حتی عباراتی برای تهیه صحنه‌های یک نمایش موزیکال وجود داشته باشد که بتوان آهنگی براساس آن تنظیم کرد.

ولی آیا موسیقی یک چنین ابرائی چه باید باشد؟ دوباره آهنگساز توضیح

منظره ساختمان ابرای سیویک شیکاگو که در سال ۱۹۲۸ بناشده
و گنجایش ۴۶۳۵ تماشاچی را دارد



میدهد که موسیقی ابرای « مادر همه ما » همچون آئینه ایست که زندگی مردم امریکا در قرن نوزدهم را با سرودهای مذهبی، مارشهای پهلوانی، تصانیف عاشقانه و والسهای آن زمان منعکس مینماید و یادگاری از آهنگهایی است که زمانی موسیقی متداول روستا نشین های امریکارا تشکیل میداد و هنوز نیز اساس اصطلاحات و تعبیرات زبان کشور مارا تشکیل میدهد چه شامل قدیمی ترین اصطلاحات و لهجه های بومی است که تا بحال شنیده شده است.



پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 صحنه ای از ابرای « واسنا » اثر ساموئل باربر که در ژانویه ۱۹۵۸ در
 ابرای متروپولیتن نیویورک بمعرض نمایش گذاشته شد

بعبارت دیگر موسیقی « مادر همه ما » رگ و پسی موسیقی امریکا را تشکیل میدهد در حالیکه آهنگسازان قبلی مخصوصاً تهیه کنندگان « ابراهای بزرگ » چون در مقایسه با زبان موسیقی مؤثر و روان ابرای معمولی آنرا بهبوده و بی ارزش تشخیص داده بودند نسبت بآن اظهار تنفر کرده و از مورد استفاده قرار دادن آن خودداری نمودند. ابرای تامسون بخوبی نشان میدهد که اگر محیط ملی از لحاظ قرائن تاریخی و بشری بطور عمیق درک شود و با موسیقی که بطور مستقیم با آن محیط مربوط است آمیخته گردد الهام بخش اثری میشود که میتوان تمام معنی آنرا ملی و در این مورد امریکائی خواند.

ا برای « مادر همه ما » ترکیبی از تاریخ و تصور و خیال است در حالیکه ا برای « ابلیس و دانیل وبستر » اثر دو گلاس مور مخلوطی از ادبیات و آداب و سنن عامیانه با افسانه میباشد. در هر دو این ابراهای شخص اول نمایش « دانیل وبستر » سیاستمدار و خطیب مشهور قرن نوزدهم است که فصاحت و بلاغت وی با موسیقی بطور برجسته نمایان میشود و باین ترتیب بازی هنرپیشگان مهیج تر میگردد و در ضمن جنبه‌هایی از معتقدات و افکار و آرزوهای اصلی و بزرگ مردم امریکاران نمایان می‌سازد. اثر مور از لحاظ فنی چیزی است که نام « ابراکامیک » به آن اطلاق میشود یعنی ابرائی که دارای مکالمه و گفتگو است. مور در آثار خود از موضوعات و مناظر امریکائی استفاده بسیار کرد.

وی در سال ۱۹۵۱ یک ابرای غم انگیز بنام « غولها بر روی خاک » (Giants in the earth) ساخت که اساس آنرا زندگانی مهاجرین اولیه امریکا تشکیل میدهد. در ساختن ابرای « افسانه بیبی دو » (The Ballad of Baby Doe) (۱۹۵۶) از یک موضوع تاریخی که پایان غم انگیزی دارد استفاده کرد. اتفاقات این ابرای مربوط بیک دوره تاریخ یعنی فاصله بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۵ میشود که تقریباً نزدیک بزمان ما میباشد. این نوع ابرای نماینده نوع ابراهائی است که در حال حاضر در امریکا متداول میباشد چه امروز آهنگسازان امریکائی به موضوعات و مطالب افسانه‌ای و مبهم و نیمه تاریخی که در قدیم مورد توجه آهنگسازان بوده است علاقه‌ای نشان نمیدهند.

ابراهائی که اخیراً در امریکا تهیه گردیده مانند ابرای « روباه‌های کوچک » (The Little Foxes) (۱۹۴۹) اثر مارک بلیتز اشتاین (Marc Blitzstein) و « شورش در تاهیتی » (Trouble in Tahiti) (۱۹۵۱) اثر لئونارد برنشتاین (Leonard Bernstein) ، « مرد مقدس خیابان بلیکر » (The Saint of Blecker Street) (۱۹۵۴) اثر کارلو منوتی (Carlo Menotti) ، « سرزمین دلپذیر » (The tender land) (۱۹۵۴) اثر آرن کوپلند (Aaron Copland) ، « سوزانا » (Susannah) (۱۹۵۶) اثر کارلیسل فلوید (Carlisle Floyd) درباره شخصیت‌های مشهور معاصر امریکا و نقاط مختلف این کشور مثلاً یکی از خیابان‌های پائین شهر نیویورک یا یکی از شهرهای غربی و یا یکی از دهکده‌های جنوبی است. راست است که حتی آهنگساز توانائی مانند آرن کوپلند در ساختن ابرای « سرزمین دلپذیر » که موضوع آنرا زندگانی معمولی خانواده‌ها و طبقات متوسط امریکا تشکیل میدهد موفقیت واقعی بدست نیاورده است زیرا اغلب مردم در این ابرای شکوه و جلال بیشتری را انتظار داشتند و لسی شواهد امر نشان میدهد که مردم امریکا کم کم این نکته را درمی‌یابند که ابرای تنها ترکیبی از صحنه‌های مجلل و مفصل و لباسهای خیره‌کننده و مکالمات فصیح و بلیغ و پراز کنایه و تمثیل نیست بلکه میتوان بوسیله این هنر زندگی عادی را نشان داد و مشخصات انسانی را نقاشی نمود.

یکی از این شواهد، موفقیت شایانی است که ابرای «سوزانا» اثر کارل بل فلویبد کسب نمود. بطوریکه در سال ۱۹۵۶ جایزه مجمع منقدان موسیقی نیویورک به آن تعلق گرفت. از مشخصات این اپرا اینست که در تاریخ موسیقی آمریکا برای اولین بار یک آهنگساز بومی آمریکائی که مدتها در گمنامی میزیست با ساختن این اپرا شهرت و موفقیت بدست آورد و این خود میرساند که ابرای آمریکا مراحل ابتدائی را پشت سر گذاشته است.

در ژانویه ۱۹۵۸ ابرای متروبولیتن نیویورک ابرای «وانسا» (Vanessa) اثر ساموئیل باربر (Samuel Barber) را بروی صحنه آورد. اشعار این اپرا توسط دوست ساموئیل بنام جیان کارلو منوتی (Carlo Menotti) سروده شده است. این اولین اپرای آمریکا است که از سال ۱۹۴۷ تا کنون در متروبولیتن تهیه گردیده است این اپرا در سال جاری نیز در فستیوال سالزبورگ نمایش داده شد. دیگر از اپراهای آمریکائی ابراکمیک «دمایتی کیزی» (The mighty casey) اثر ویلیام شومان (William Schuman) را میتوان نام برد که اساس آنرا تصنیف هنرل آمیز مشهور آمریکائی بنام «کیزی ات دبات» (Casey at the Bat) تشکیل میدهد.

باین ترتیب می بینیم که آهنگسازان آمریکائی با ساختن آهنگهای غم انگیز و نشاط آور و استفاده از مطالب تاریخی و عمومی و داخلی و خارجی و بکار بردن انواع سبکها و اصطلاحات عامیانه آمریکائی به آرزوی ایجاد اپرای آمریکائی جامه تحقق پوشانده اند و در این راه همچنان در حال پیشرفت می باشند.

پایان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی